

ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان

سرمحقق شیرعلی تازی

ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان

سرمحقق شیرعلی تازی

The Exigency of Revising Afghanistan's Economic System

Professor Shirali Tazri

ISBN 978-9936-661-74-5



9 789936 661745

2023





امارت اسلامی افغانستان

اکادمی علوم

معاونیت علوم بشری

مرکز علوم اجتماعی

انستیتوت اقتصاد

ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان

سرمحقق شیرعلی تیزی

مشخصات اثر

نام کتاب: ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان

نویسنده: سرمحقق شیر علی تزی

ادیتور و مهمتمم: معاون سرمحقق دکتور محمد حکیم حیدر

دیزاین: محمد مجتبی همایون

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم

سال چاپ: ۱۴۰۲ ه.ش / ۱۴۴۵ ه.ق

محل چاپ: مطبعه بهیر

شماره تماس ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: ۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹ (۰۰۹۳)

ISBN: ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۶۱-۷۴-۵

حق طبع برای اکادمی علوم محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
نظرانستیتوت.....	۱.....
نظر ایدیت کننده.....	ج.....
مقدمه.....	۱.....

فصل اول

مروری به گذشته موضوع

فصل دوم

پاسخ نظامهای اقتصادی به مسایل اساسی اقتصاد

۱. پاسخ نظام اقتصاد بازار به مسایل اساسی اقتصاد..... ۲۵
۲. پاسخ نظام اقتصاد پلان مرکزی به مسایل اساسی اقتصاد..... ۳۸
۳. پاسخ نظام اقتصاد مختلط به مسایل اساسی اقتصاد..... ۴۳
۴. پاسخ نظام اقتصادی اسلام به مسایل اساسی اقتصاد..... ۵۳

فصل سوم

ضرورت انتخاب نظام اقتصادی و دشواری ها فرا راه آن

۱. ضرورت انتخاب نظام اقتصادی..... ۵۷
۲. دشواریهای انتخاب نظام اقتصادی..... ۶۲
۳. چگونگی گذار از یک نظام اقتصادی به نظام دیگر..... ۶۴
۴. دشواریهای گذار از یک نظام اقتصادی به نظام دیگر..... ۷۱

- الف- دشواری های گذار از اقتصاد متمرکز روسیه به اقتصادبازار ۷۱
- ب- دشواریهای گذار به اقتصاد بازار در افغانستان ۸۴

فصل چهارم

دشواریهای نظام اقتصاد بازار و پیشنهاد نظام مناسب در افغانستان

۱. دشواریهای نظام اقتصاد بازار در افغانستان ۹۷
- الف- فقرگسترده ۱۰۰
- ب- جنگ و نا امنی ۱۱۳
- ج- بی ثباتیهای سیاسی ۱۱۹
- د- مداخلات خارجی ۱۲۵
۲. پیشنهاد نظام اقتصادی مناسب برای افغانستان ۱۳۴
۳. تحلیل نظریات مردم در مورد ضرورت بازنگری نظام ۱۴۷
- نتیجه گیری ۱۵۹
- پیشنهاد ها ۱۶۳
- مآخذ ۱۶۵
- ضمیمه ۱۷۰

نظر انستیتوت اقتصاد در مورد پروژه روتین علمی - تحقیقی

محترم سرمحقق شیرعلی تزی، تحت عنوان

" ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان "

در مسیر تحولات انکشاف اقتصادی، علمای اقتصاد و محققین عرصه علوم اجتماعی به حل دشوارهای عمده اقتصادی ناشی از فقدان منابع، جهت رفع خواهشات و نیازمندی های نامحدود انسانها و رسیدن به رفاه اجتماعی پرداخته اند که بیشتر ابعاد این مسئله را در محوریت نظام های اقتصادی، تکاپو و پیگیری نموده اند تا جوامع انسانی را در ایجاد نظم اقتصادی که محتوای سایر امورات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی می باشد، هدایت نماید.

حضور نظام اقتصادی و بازنگری کارایی آن نه تنها صرف یک ضرورت ملی و فرامرزی تلقی می گردد بلکه به مفهوم یک اصل اجتناب ناپذیر در عصر- تکنالوژی و اقتصاد مدرن امروزی مطمح نظر قرار گرفته است، زیرا محدوده رشد و انکشاف اقتصادی کشورها در چارچوب این نظام مورد ارزیابی و قضاوت ارزشی قرار می گیرد. بدیهی است که افغانستان در وهله نخست، نسبت به هر موضوع دیگری به یک نظام اقتصادی انسجام دهنده که رفاه اقتصادی و اجتماعی را در جامعه تضمین و گسترش چالش های موجود را مهار و تقلیل دهد، اشد نیاز دارد. بنا براین، طرح و پیشنهاد یک نظام اقتصادی مناسب، بخصوص در کشورهای عقب مانده و فقیرمانند افغانستان مستلزم پژوهش های دقیق و همه جانبه بر مبنای آگاهی از شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی،

محیطی و جو حاکم در جامعه می باشد.

پروژه علمی- تحقیقی که براساس داده های کمی و کیفی با استفاده از روش های تحلیلی و توصیفی توسط محترم سرمحقق شیرعلی تزری عضو انستیتوت اقتصاد و رئیس مرکز علوم اجتماعی انجام شده است، محتوای مطالب علمی و تجربی از نحوه تطبیق مدل های نظام اقتصادی با حفظ مزایا و نواقص آنها در سطح ملی و فرا ملی بوده که یک سوژه مناسب و کاربردی برای پالیسی سازان، محققین و سایر علاقمندان حوزه اقتصاد جهت انتخاب یک نظام اقتصادی برای افغانستان می باشد.

این پروژه علمی- تحقیقی در چهار فصل، توأم با نتیجه گیری، پیشنهادهای کاربردی و مآخذ، درمیعاد تعیین شده به اتمام رسیده است که بعد از مطالعه و بررسی همه جانبه در شورای علمی انستیتوت اقتصاد، مورد تأیید قرار گرفت.

احترام

آمر انستیتوت اقتصاد

معاون سرمحقق دکتور محمد حکیم حیدر

نظر ایدیت کننده

محترما،

پروژه روتین علمی-تحقیقی که توسط محترم سرمحقق شیرعلی تیزی، تحت عنوان " ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان " درمطابقت با فهرست تصویب شده شورای محترم علمی اکادمی علوم، درچهارفصل؛ زیورپژوهش یافته است، ذریعه نامه شماره (۳۷۰/ ۴۵۵) مورخ ۱۴۰۲ / ۵ / ۷ ریاست محترم مرکز علوم اجتماعی غرض ایدیت واهتمام (اغلاط تایپی، مفاهیم محتوایی واشتباهات تخنیکی) به اینجانب معاون سرمحقق دکتور محمد حکیم حیدر، آمرانستیتوت اقتصاد، محول گردیده بود، مورد مطالعه دقیق وبررسی همجانبه قرارگرفت. باوصف درون بینی تمام ازابعاد فوق الذکر، پروژه حاضر تهی ازهرنوع اشتباهات محتوایی قابل ملاحظه بوده و موارد اصلاحی اندک درقسمت علامه گذاری، پاراگراف و سنوات توصیه شده توسط نویسنده محترم اصلاح گردیده است.

لذا، پروژه هذا مطابق با معیارهای علمی واکادمیک انجام شده ومزین با ادبیات عام فهم آماده وقابل چاپ می باشد. ازخداوند لایزال برای نویسنده این اثر، موفقیت های بیشتری درامر خدمت گذاری به جامعه اکادمیک، استدعا دارم.

با احترام

معاون سرمحقق دکتور محمد حکیم حیدر

آمر انستیتوت اقتصاد

مقدمه

ارایه طرح های علمی برای انتخاب نظام اقتصادی یکی از وظایف مراکز و نهاد های علمی - تحقیقی کشور منجمله اکادمی علوم می باشد. ازاین رو انستیتوت اقتصاد همگام با سایر نهاد های علمی خود را موظف به انجام چنین وظیفه میدانند. نظام اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین عناصر بنیاد اقتصاد هر کشور در وضعیت معیشت، فرهنگ و پیشرفت جامعه نقش تعیین کننده دارد. پدیده های فقر و ثروت، عدالت و نابرابری، وجود انگیزه فردی لازم یانبود آن، کارآیی وعدم کارآیی و موارد دیگر عمدتاً تحت تأثیر نظام اقتصادی و در چارچوب آن بوجود می آید. توجه به مفهوم، ماهیت و اولگوی نظام اقتصادی نشان میدهد که مؤفقیّت در طرح چنین کار مهم باید ابزار های نظری و فکری خاص فراهم شود؛ به طور مثال:

۱) طرح چوکات نظری مشخص که ضمن برخورداری از ویژه گیهای کشور مورد تحقیق، مسایل مورد نظر مطرح وجنبه های عملی آن به طور مشخص، دور از هر نوع برخورد جانب دارانه مورد ارزیابی قرار گیرد؛

۲) مطالعه ارزش های رایج و مورد پذیرش و تعریف شده در کشور مورد نظر؛

۳) مطالعه تیوریکی موضوع و بررسی جنبه های تطبیقی آن در کشورهای مشابه و حتی غیرمشابه، به منظور جلوگیری از اشتباهات که آنها در جریان تطبیق نظام اقتصادی خود به آن مواجهه بوده اند.

بادرک همین مهم تصمیم گرفته شد تا ضرورت بازنگری نظام اقتصادی افغانستان را که در قانون اساسی ۱۳۸۲ نظام بازار تسجیل شده است مورد مطالعه و ارزیابی قرارگیرد. درین مسیر بادر نظر داشت شرایط منحصر به فرد افغانستان که طی نیم قرن اخیر ایجاد شده است) تغییر مکرر رژیم های سیاسی با جهان بینی های متفاوت، جنگ های تحمیلی طولانی و پیامد های ناشی از آن) و تغییراتیکه در نظام های اقتصادی از اثراین حوادث در کشور رونما گردیده است را بررسی، تحلیل و نظام مناسب در زمینه پیشنهاد گردد.

نظام های اقتصادی درواقع با اصول و جهان بینی های متفاوت حاکم بر خود، ساختارهای تصمیم گیری، اطلاعاتی و انگیزشی متفاوتی را شکل می دهند و در صحنه عمل نیز از یک دیگر متمایزاند. پرسش که درین زمینه می تواند مطرح شود اینست که اقتصاد افغانستان از نظر ویژه گی های سیستمی و ساختاردرونی متناسب با کدام یک از این جهت گیریهای عمومی (پلان مرکزی یا بازار) است؟ به عبارت دیگر رشد اقتصادی افغانستان با کدام یک از این جهت گیری های عمومی، هزینه کمتر می طلبد؟ و در صورت انتخاب هریک از این شیوه های تنظیم اقتصاد، چه موانعی در راه عملکرد مؤفقت آمیز آن قرار دارد؟

انتخاب نظام اقتصادی و تحقق عملی آن یکی از مسایل عمده و اساسی هرنظام سیاسی می باشد. نظام سیاسی زمانی مؤفق خواهد بود که با سیاست گذاری های مناسب و معقول اقتصادی بتواند به پرسش ها

و نیازمندی های مردم، بادر نظر داشت زمان و مکان معین و ویژه گیهای هر کشور جواب قناعت بخش ارایه بدارد. از سوی دیگر هراقدام اقتصادی به بستر حقوقی مطمئن و مورد قبول جامعه ضرورت دارد. به این معنا که پیش از شروع عمل، باید بستر مذکور آماده شود و جهت، استقامت و راه های گسترش بعدی آن با وضع قوانین روشن، و مشخص گردد تا از اشتباهات و انحرافات عملی آن کاسته شود، زیرا نظریه ها به ظاهریبا اند ولی زمانیکه در عمل پیاده می شوند به چالش های ناشی از شرایط ویژه هر کشور مواجه می شوند، چنانچه نظام اقتصاد بازار باوجود اینکه در اکثر کشورها نتیجه مورد قبول داشته است در کشور ما به چالش مواجه گردیده است، چراکه کشور ما از نقطه نظر سطح رشد اقتصادی و اجتماعی در جمله کشور های کمترین انکشاف یافته قرار دارد و در آن فقر و مشکلات ناشی از بیسوادی اکثریت مطلق نفوس بیداد می کند. از طرف دیگر حوادث حدود نیم قرن اخیر در افغانستان شرایط را حاکم ساخته است که هیچ کشور دیگر در آستانه گذار به اقتصاد بازار به آن مواجه نبوده است؛ مشکلات از قبیل:

وجود کتله عظیمی معلول، بیوه های بی سرپرست، یتیم های بی بضاعت، حاکمیت فساد لجام گسیخته ناشی از جنگ و نا امنی و ده ها مشکل دیگر سبب شده تا در بسیاری موارد ثروت خارج از چوکات فعالیت های اقتصادی (اشتغال به زراعت، صنعت و تجارت) اندوخته شود که این نابسامانیها بر موانع اقتصادی افغانستان سایه افکنده است. لذا ایجاب

می نماید تا برای حل این دشواریها برخورد منحصر به فرد صورت گیرد، زیرا نظریه های رایج علم اقتصاد (بویژه نظام بازار) بیشتر تأمین کارآیی اقتصادی را هدف قرار داده است و مدعی است که مفاهیم چون عدالت از چوکات این علم خارج است، این در حالی است که دشواریهای متعدد اجتماعی در کشور ما از یک طرف و حاکمیت نظام اسلامی از سوی دیگر، حکم می کند که باید انسان در محراق توجه اقتصاد و مسایل اقتصادی قرار داشته باشد، یعنی اقتصاد در خدمت انسان باشد نه عکس آن، زیرا از نظر مکاتب اسلامی، اقتصاد وسیله است برای رفع نیازمندیهای انسان و این امر زمانی تحقق می یابد که نظام اقتصادی مبتنی برواقعیت های جامعه اسلامی و بادر نظر داشت دشواری های عینی حدود پنجاه سال اخیر کشور انتخاب و عملی شود. هرگاه نظام اقتصادی بدون توجه به مشکلات جامعه به شکل غیرواقعی و کاپی از عملکرد کشور هاییکه شرایط آن ها هیچ نوع هم خوانی به اوضاع افغانستان ندارد، انتخاب و عملی شود، مبرهن است که دشواری هایرا به بار خواهد آورد که به مراتب خطرناک تر و جبران ناپذیر تر از دشواریهای جنگ در افغانستان باشد.

اقتصاد افغانستان طی نیم قرن اخیر آمیزه از اقتصاد بازار و اقتصاد دولتی بوده است. به عبارت دیگر ترکیبی از بازار، برنامه و سنت بوده است. نهاد های خصوصی و نهاد های دولتی پهلوی هم کار کرده اند، به این تفاوت که در یک برهه زمانی نقش دولت برجسته بوده و رهبری

اقتصاد را بدوش داشته است، و پایه پای آن سکتور خصوصی نیز فعال بوده است. ولی در برهه دیگری از زمان پالیسی اقتصادی طور در قوانین تنظیم شده است که نقش رهبری کننده در اقتصاد را سکتور خصوصی به عهده داشته و دولت نیز نظربه نیاز زمان و شرایط حاکم در کشور به فعالیت های اقتصادی خود ادامه داده است. معنای این سخن اینست که افغانستان هیچ گاهی نظام اقتصادی متمرکز خالص و یا نظام اقتصاد بازار خالص نداشته است. گرچه حاکمیت رژیم های مختلف و متکی به ایدئولوژی های متفاوت بادر نظر داشت ایدئولوژی حاکم معمولاً تحقق رشد اقتصادی را مستلزم دولتی شدن اقتصاد و یا بازاری شدن آن میدانستند. لیکن هیچ کدام آنها نتوانستند نظام اقتصادی مورد نظر خود را به طور کامل حاکم و مستقر بسازند، زیرا پیش از اینکه به هدف خود نایل آیند از صحنه حذف ورژیمی دیگر با ایدئولوژی دیگر مستقر گردیده است. لذا برای اینکه این مشکل ریشه یی حل شود ایجاب مینماید تا با درس گرفتن از اشتباهات گذشته و با در نظر داشت شرایط ویژه افغانستان نظام اقتصادی انتخاب و حاکم ساخته شود که پاسخ گوی نیاز مندیهای جاری کشور بوده باشد. به همین خاطر هدف این تحقیق آشنایی با نظام های اقتصادی و مبتنی به آن پیشنهاد یک نظام اقتصادی معتدل عاری از افراط و تفریط می باشد. نظریه پردازان جدید اقتصادی به این باور اند که نظام اقتصادی باید ترکیبی مناسبی از نهاد های بازار و دولت باشد، به عبارت دیگر ترکیبی باشد از بازار، دولت و عرف.

علاوَتاً باید گفت که تعدیل ساختاری مکرر طی پنجاه سال اخیر، به جای رشد و انکشاف اقتصادی مانع عمدهٔ رشد و انکشاف اقتصادی بوده است، زیرا رفتن به یک راه و ترک دوبارهٔ آن قبل از رسیدن به سرمنزل مقصود و انتخاب راه دیگر و متضاد به راه قبلی خود هزینه بر و زمانگیر است، بنابراین ضرور است تا پیش از بکارگیری یک نظام اقتصادی تمام ابعاد موضوع به صورت همه جانبه مطالعه و بررسی شده و متعاقباً گام برداشته شود تا از تکرار این جابه جایی های بی مورد و پرهزینه جلوگیری شود، بلکه آنچه انتخاب و تعیین می گردد کارآمد ساخته شود. این کارآمدی به وسیلهٔ قانونمند ساختن نظام انتخاب شده ممکن است و بس، لذا پیش از اقدام به کار باید بستر حقوقی آن مطابق به اوضاع حاکم با مطالعهٔ پیامدهای مثبت و منفی آن ساخته شود.

باتوجه به مشکلات عملی نظام اقتصادبازارد در کشور تصمیم اتخاذ گردید تا ضرورت بازنگری آنرا با طرح سوال: کدام نظام اقتصادی می تواند در شرایط افغانستان کارآیی داشته باشد؟ را به پژوهش گرفت. برای پیدا کردن پاسخ به این پرسش از روش تحلیلی و توصیفی با اتکا به مسایل تیوریکی و جمع آوری نظریات اهل خبره و هم چنان مطالعهٔ جنبه های تطبیقی نظام اقتصاد بازارد در کشورهای مختلف بهره جسته، عوامل مؤفقیّت و عدم مؤفقیّت آنرا بررسی کرده تا با شرایط افغانستان مقایسه گردد تا پیشنهاد نظام مناسب اقتصادی را برای افغانستان ارایه نمود. این اثر دارای مقدمه، چهارفصل، نتیجه گیری و فهرست مآخذ می

باشد. فصل اول مروری به گذشته موضوع که در آن سیر کوتاه تاریخی برچگونه گی تحولات و پیدایش نظام های اقتصادی صورت گرفته و علل جایگزینی یک نظام اقتصادی با نظام دیگر به توضیح گرفته شده است. فصل دوم به پاسخ نظام های اقتصادی به مسایل اساسی اقتصاد اختصاص داده شده است که در پهلوی آن نظام های اقتصادی و چگونگی عملکرد آنها به گونه اجمال توضیح گردیده و انواع نظام های بازار، متمرکز و مختلط از هم تفکیک گردیده اند تا خواننده با آگاهی از آن بتواند نظام را مورد توجه قرار دهد که در شرایط افغانستان بهتر از سایر نظام ها کارایی داشته باشد.

درفصل سوم ضرورت انتخاب نظام اقتصادی به توضیح گرفته شده که در آن نخست ضرورت داشتن نظام اقتصادی به بررسی گرفته شده و توأم به آن دشواریهای که درین راستا وجود دارد با توضیح گذار به نظام اقتصاد بازار در روسیه و افغانستان به طور جداگانه پرداخته شده است. همچنان توضیح گردیده که چرا یک نظام اقتصادی جایگزین نظام دیگر می شود و مؤلفه های مؤفقیّت یک نظام اقتصادی در چیست. فصل چهارم اثر اختصاص داده شده است به دشواریهای انتخاب نظام اقتصادی و پیشنهاد نظام اقتصادی مناسب در کشور که عمده ترین این دشواری ها فقر، جنگ و نا امنی های طولانی و در نتیجه بی ثباتی های سیاسی و مداخلات مستقیم و غیرمستقیم خارجی تشخیص داده شده است. با توضیح این دشواریها نظام مناسبی که بهتر از سایر نظام ها خواهد

توانست پاسخ گوی نیازمندی های جامعه باشد پیشنهاد گردیده است،
درنهایت رساله با ارایه نتیجه گیری، پیشنهاد ها و فهرست مأخذ که در
تکمیل اثر از آن استفاده شده است به اتمام رسیده است.